



Examining the Details of “Bismillah al-Rahman al-Rahim” in the Surahs of the Quran*



Mohammad Ghorbani Moqaddam^۱

Abstract

According to the Imamiyyah and many Sunnis, the honorable phrase “*Bismillah al-Rahman al-Rahim*” is a part of the Holy Quran and a part of Surah Hamd; However, there is a difference between Shia and Sunni recitation of the details of this phrase concerning all the surahs (except Surah Towbah). It is well-known among Shia scholars that “*Bismillah*” is part of all surahs; but many Sunnis do not believe so. Among the Shia scholars, Ibn Junaid also believes that “*Bismillah*” is the only part of Surah Hamd. Recently, some Shia jurists have issued a fatwa and do not consider “*Bismillah al-Rahman al-Rahim*” as part of all surahs. Considering the obvious effect of this issue on the rules of prayer and some other acts of worship, which are sometimes in the form of periods between participants and cannot be taken care of, it is necessary to re-examine the opinion of Shiites in this regard. For this purpose, with a descriptive-analytical method and a critical approach, and by examining all the traditions that are claimed to indicate the detail of *Bismillah* in all surahs, as well as other pieces of evidence, the conclusion was reached that despite the claim of the massive reporting of narrations regarding the detail of “*Bismillah*” Except for one or two narrations, there is not only no documentation for this claim but there are also numerous narrations about the lack of details of *Bismillah* in other than Surah Hamd and Namal. Most of the hadiths mentioned in Wasail al-Shiah related to this issue only state the virtue of this verse and its reward and the desirability of starting any work including reciting the Quran with it. The originality of not-being (*a'dam*) and the principle of non-repetition also confirm this opinion.

Keywords: Bismillah, Surahs of the Quran, Surah Hamd, Recitation of Ibn Junaid.

*. Date of receiving: October ۹, ۲۰۲۲, Date of approval: January ۲۱, ۲۰۲۳.

۱. Assistant Professor of Jurisprudence and Its Principles Department, Al-Mustafa International University, Isfahan, (Corresponding Author); m.ghorbanim@chmail.ir



بررسی جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» در سوره‌های قرآن*

محمد قربانی مقدم**



چکیده

از نظر امامیه و بسیاری از اهل سنت، عبارت شریف «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء قرآن کریم و جزء سوره حمد است؛ اما درباره جزئیت این عبارت نسبت به تمامی سوره‌ها (غیر از سوره توبه) بین شیعه و اهل سنت اختلاف است. معروف و مشهور بین علمای شیعه این است که «بسم الله» جزء تمام سوره‌هاست؛ اما بسیاری از اهل سنت چنین اعتقادی ندارند. در بین علمای شیعه ابن جنید نیز معتقد است «بسم الله» تنها جزء سوره حمد است. اخیراً برخی فقهای شیعه نیز فتوا داده‌اند و «بسم الله الرحمن الرحيم» را جزء تمام سوره‌ها نمی‌دانند. با توجه به تأثیر آشکار این مسئله در احکام نماز و برخی عبادات دیگر که بعضاً به صورت دوران بین محذورین بوده و قابل احتیاط نیست، بررسی مجدد نظر شیعه در این خصوص ضروری است. به این منظور و با روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی انتقادی و با بررسی تمام روایاتی که ادعا شده بر جزئیت بسمله در تمام سوره‌ها دلالت دارد و همچنین شواهد و قرائن دیگر این نتیجه حاصل شد که علی‌رغم ادعای تواتر روایی در مورد جزئیت «بسم الله»، به جز از یک یا دو روایت، نه تنها مستندی برای این ادعا وجود ندارد بلکه روایات متعددی بر عدم جزئیت بسمله در غیر سوره حمد و نمل وجود دارد. اکثر روایاتی که در وسائل الشیعه در باب مربوط به این مطلب ذکر شده تنها فضیلت این آیه و ثواب آن و استحباب شروع هر کار از جمله قرائت قرآن با آن را بیان می‌کند. اصله العدم و اصل عدم تکرار نیز این نظر را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: بسمله، سوره‌های قرآن، سوره حمد، قرائت ابن جنید.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱.

** استادیار، گروه فقه و اصول، جامعه المصطفی ص العالمیه، اصفهان، ایران؛ (m.ghorbanim@chmail.ir).



مقدمه

ذکر شریف «بسم الله الرحمن الرحيم»، طبق روایات متعدد نزدیک‌ترین ذکر به اسم اعظم الهی است (حرعاملی، ۱۴۱۹: ج ۵۷/۲). از قرآن کریم استفاده می‌شود که این ذکر حتی در قبل از نزول قرآن کریم در بین امت‌های گذشته هم رایج بوده است. مثلاً حضرت سلیمان در ابتدای نامه‌ای که برای پادشاه سبأ نوشت از همین عبارت استفاده کرد: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (نمل: ۳۰). همچنین حضرت نوح هنگام سوارشدن بر کشتی این ذکر را بر زبان جاری کرد: «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا» (هود: ۴۱). در روایات اسلامی نیز وارد شده است: هر کار مهمی که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز نشود، به فرجام نخواهد رسید (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۱۷۰/۷). این ذکر اثر مهمی در طهارت رفتاری انسان در حوزه‌های مختلف دارد. به همین دلیل سفارش تأکید شده که هنگام خروج از منزل (همان، ۳۲۸/۵)، خوردن و آشامیدن (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۸/۹۲)، مسائل زناشویی (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴۰۴/۳)، وضو گرفتن (حرعاملی، ۱۴۱۹: ج ۱۷۰/۷)، هنگام افطار (همان، ۱۴۹/۱۰)، دعا کردن (ورام، بی‌تا: ج ۳۲/۱) و... این ذکر را بر زبان جاری کنیم تا از شراکت شیطان در امان باشیم.

در مصحف‌های رایج، هر سوره با جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده است. این سؤال وجود دارد که آیا درج این جمله به این عنوان است که جزء هر سوره (آیه مستقل یا جزئی از آیه اول) است یا به دلیل استحباب افتتاح امور با «بسم الله» در مصحف و در آغاز هر سوره نوشته شده است؟ از نظر شیعه هیچ تردیدی نیست که اولین آیه قرآن کریم همین عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» است که جزء سوره حمد است. بسیاری از اهل سنت نیز چنین عقیده دارند (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۴۸)؛ اما در خصوص باقی سوره‌ها نظر غالب اهل سنت عدم جزئیت است. در حالی که نظر غالب و معروف بین شیعه حاکی از آن است که عبارت «بسمله» جزء سوره‌هاست، اما دلایل محکمی بر این نظر اقامه نشده است و در کتب فقهی معمولاً به این جمله که روایات در این زمینه زیاد است، بسنده شده است.

سؤال اصلی این است که از نظر روایات اهل بیت علیهم السلام یا دلایل دیگر می‌توان اثبات نمود که «بسم الله الرحمن الرحيم»، علاوه بر سوره حمد و نمل، جزء ابتدایی تمام سوره‌های قرآن است؟ چه دلائلی در این خصوص اقامه شده و دلائل ذکر شده تا چه حد از اتقان کافی برخوردار است؟ در این مقاله روایات و سایر ادله‌ای که درباره جزئیت بسم الله در تمام سوره‌های قرآن بیان شده، بررسی خواهد شد.

ناگفته نماند که جزئیت یا عدم جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» نسبت به تمام سوره‌ها، غیر از آنکه یک بحث معرفتی و قرآنی است، آثار فقهی متعددی دارد که در پایان ذکر خواهد شد. از این رو یک تحقیق جامع در این خصوص از اهمیت زیادی برخوردار است و با نحوه رفتار مومنان، رابطه مستقیم دارد. به همین دلیل بحث و نظر در این باره همواره بین مسلمین مطرح بوده است. مفسران به مناسبت اولین آیه قرآن کریم و فقیهان به مناسبت احکام قرائت نماز در این خصوص نوشته‌هایی دارند. با این حال معمولاً مطالب، تکرار نظر مذاهب نویسندگان است و کمتر تحقیق جامعی در این خصوص صورت گرفته است. به طور نمونه صاحب جواهر ضمن چند سطر به جزئیت مسلم بسم الله در سوره فاتحه‌الکتاب و ادعای اخبار و اجماعات مستفیضة و بلکه متواتر درباره جزئیت آن در تمام سوره‌ها بسنده می‌کند، بدون اینکه مصداق خاصی از روایات یا اجماعات مورد نظر اشاره کند (نجفی، بی‌تا: ۲۹۷/۹).

همچنین علامه طباطبایی ادعا می‌کند که روایات زیادی از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که دلالت بر جزئیت بسم الله در تمام سوره‌ها می‌کند اما به هیچ روایتی در این زمینه اشاره نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷/۱).

محقق خویی در مقدمه کتاب البیان فی تفسیر القرآن حدود ده صفحه در این زمینه سخن می‌گوید که ظاهراً جامع‌ترین تحقیق در این خصوص محسوب می‌شود؛ با این حال متأسفانه در بیان ادله جزئیت، بین ادله جزئیت بسم الله در سوره حمد و سایر سوره‌ها و حتی بعضاً روایات فضیلت بسم الله تفکیک نشده و همین موجب اشتباه در نتیجه‌گیری از



بحث شده است. در بیان ادله عدم جزئیت، به روایات اهل بیت علیهم السلام که در این تحقیق خواهد آمد، اشاره نشده است (خویی، بی تا، ۴۳۸).

آیت الله سبحانی نیز در کتابی که در خصوص فقه مقارن و مسائل اختلافی بین فقه شیعه و اهل سنت نگاشته، تحقیق مستقل و نسبتاً بلندی در این باره انجام داده که اکثر مطالب آن در خصوص اثبات جزئیت بسم الله در خصوص سوره حمد است و حکم جهر به آن در نماز است؛ ولی درباره جزئیت آن در خصوص تمام سوره‌ها تنها چند صفحه محدود بحث شده و عمدتاً به سیره عملی در کتابت این جمله شریفه در آغاز سوره‌ها و همچنین چند روایت از منابع اهل سنت بسنده می‌شود و اشاره چندانی به روایت اهل بیت علیهم السلام در این زمینه نمی‌کند (سبحانی، ۱۴۲۳: ۲۳۱/۱).

همچنین در دائرة المعارف قرآن در مدخل بسمله، مقاله‌ای در این خصوص نگاشته شده که به نظر می‌رسد، خلاصه‌ای از مبحث جزئیت بسم الله کتاب البیان آیت الله خویی است و جزاندکی، نکته‌ای افزون بر آن ندارد (طیب حسینی، ۱۳۸۸: ۵/۵۶۱).

الف. ادله جزئیت بسم الله نسبت به تمام سوره‌ها

طبیعی است که عقل به دلیل عدم ورود در جزئیات، صلاحیت استناد در این مورد را ندارد. در خود قرآن نیز مطلبی دال بر این مطلب وجود ندارد. بنابراین همانطور که در مقدمه و پیشینه تحقیق بیان شد، برای جزئیت بسم الله در تمام سوره‌ها، سه دلیل اقامه شده است. روایات، اجماع و سیره مسلمین. هر یک از این دلایل جداگانه بررسی می‌شود.

۱. روایات

مهم‌ترین دلیلی که برای جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» بدان استناد شده، روایاتی از اهل بیت علیهم السلام است که در کتب شیعه آمده تا جایی که برخی ادعای تواتر روایات در این مورد کرده‌اند (نجفی، بی تا، ۲۹۷/۹).

به منظور بررسی صحت و سقم این ادعا لازم است روایات باب ۱۱ از «ابواب القرائه فی الصلوة» کتاب وسائل الشیعه و برخی روایات دیگر در این زمینه بازبینی شود. با بررسی روایات متوجه خواهیم شد که روایات در مورد «بسم الله الرحمن الرحيم» سه دسته‌اند:

دسته اول: این دسته که اکثریت روایات را در بر می گیرد، در بیان عظمت و فضیلت این آیه است. مانند روایت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ نَاطِرِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۵۷/۶)؛ «بسم الله الرحمن الرحيم» به اسم اعظم نزدیکتر است از سیاهی چشم نسبت به سفیدی چشم!

دسته دوم: این دسته از روایات، در مقام رد کسانی است که کلاً منکر اصل جزئیت بسم الله نسبت قرآن مجید (حتی سوره فاتحه الكتاب) هستند؛ مانند روایتی که می فرماید: «سَرَقُوا أَكْرَمَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (همان؛ و نوری، ۱۴۱۸: ۱۶۵/۴) گرامی ترین آیه قرآن یعنی «بسم الله الرحمن الرحيم» را دزدیده اند.

شأن صدور این روایات از این جهت بوده که عده ای از مسلمانان در آن زمان این آیه را حتی جزء سوره اول قرآن یعنی سوره حمد نمی دانسته اند. مثلاً مالک از پیشوایان فقهی اهل سنت معتقد است که عبارت شریف «بسم الله الرحمن الرحيم» اصلاً آیه نیست. (فخررازی، ۱۳۵۲: ۱۷۲/۱)

دسته سوم: این دسته روایات را شیخ حرعاملی در باب ۱۱ از ابواب القرائه وسائل الشیعه نقل کرده و طبق تیترا آن (بَابُ أَنَّ الْبِسْمَلَةَ آيَةٌ مِنَ الْفَاتِحَةِ وَمِنْ كُلِّ سُورَةٍ...) ادعا کرده است که بر جزئیت بسم الله نسبت به سوره حمد و تمام سوره ها دلالت دارد. (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۵۷/۶). این باب ۱۲ حدیث دارد که مضمون برخی از آنها در مورد دسته اول و دوم است که اشاره شد مانند (حدیث ۳ و ۱۱ و ۷). دو حدیث در مورد لزوم جهر خواندن بسم الله در نماز است (حدیث ۱ و ۴). سه حدیث در مورد اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» جزئی از فاتحه الكتاب است (حدیث ۲، ۹ و ۱۰) و دو حدیث در مورد اینکه اول هر کتابی که نازل شده است، بسم الله بوده است (حدیث ۸ و ۱۲). ضمناً حدیث شماره ۴ ظهور در این دارد که امام علیه السلام در نماز خود تنها برای حمد «بسم الله الرحمن الرحيم» گفته یا لا اقل فقط «بسم الله الرحمن الرحيم» حمد را با جهر خوانده؛ چون راوی می گوید امام در نماز خود، دو مرتبه «بسم الله الرحمن الرحيم» را با جهر خواند. در حالی که اگر برای



سوره‌های رکعت اول و دوم هم بسم الله گفته یا آن را بلند خوانده بود، راوی می‌گفت، چهار مرتبه بسم الله را شنیدیم. روایات باب ۱۲ که برخلاف ادعای جزئیت است و شیخ حر عاملی آن را حمل بر تقیه کرده و در آینده بررسی خواهد شد. بنابراین تنها احادیث ۵ و ۶ برای جزئیت بسم الله در همه سوره‌ها قابلیت دارد و لازم است مورد بررسی قرار گیرد. در حدیث شماره ۵ که مشکلی سندی نیز ندارد چنین آمده است: «عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ، أَقْرَأُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَعَ السُّورَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۵۸/۶). معاویة بن عمار از امام عليه السلام سؤال می‌کند: در هنگام نماز غیر از سوره حمد، برای سوره هم می‌توان «بسم الله الرحمن الرحيم» خواند؟ حضرت می‌فرماید: بله! روایت ششم که ظهور بهتری در لزوم قرائت «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای سوره در نماز دارد، مکاتبه‌ای که بین یحیی بن عمران و امام جواد عليه السلام، که طبق آن امام می‌فرماید: نماز کسی که در سوره‌اش «بسم الله الرحمن الرحيم» قرائت نشده است، باطل شمرده می‌شود.

«عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ ابْتَدَأَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي صَلَاتِهِ وَخَدَمَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ فَلَمَّا صَارَ إِلَى غَيْرِ أُمِّ الْكِتَابِ مِنَ السُّورَةِ تَرَكَهَا؟ فَقَالَ: الْعَبَّاسِيُّ لَيْسَ بِذَلِكَ بَأْسٌ. فَكَتَبَ بِحُطَّهِ يَعِيدُهَا مَرَّتَيْنِ عَلَى رَغَمِ أَنَّهُ يَعْنِي الْعَبَّاسِي (همان، ۵۸). به امام باقر عليه السلام نامه نوشتم و عرض کردم، فدای شما شوم، نظر شما درباره کسی که تنها در شروع نماز و برای سوره حمد بسم الله... گفته است و برای سوره آن را ترک کرده چیست؟ عباسی (نام شخصی است) می‌گوید اشکال ندارد. حضرت در نامه‌ای به خط خود پاسخ دادند: به کوری چشم او نماز را اعاده کند. (راوی می‌گوید منظور عباسی است).

نقد و بررسی

به نظر می‌رسد روایت اول (حدیث شماره ۵ در وسائل الشیعه) هیچ‌گونه دلالتی بر مدعا ندارد؛ چون همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هرچند امام اجازه می‌دهند برای هر سوره‌ای «بسم الله الرحمن الرحيم» قرائت شود، اما هیچ دلالتی بر لزوم آن یا جزئیت ندارد،

بلکه چه بسا به دلیل استحباب شروع هر کاری با «بسمله» چنین حکمی صادر شده باشد. به تعبیر ابن جنید، یعنی ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» جهت افتتاح است نه جهت جزئیت. اما روایت دوم (حدیث شماره ۶ وسائل)، همانطور که گفته شد، ظهور بهتری در مدعا دارد، با اینحال نسبت به آن چند سؤال مطرح است، مانند اینکه؛ عباسی کیست؟ (در برخی نسخه‌ها به جای عباسی، عیاشی ثبت شده است) چرا این قدر نظر وی برای راوی مهم بوده و بعد با جواب تندى نظرش رد می‌شود؟ و اینکه چگونه می‌توان وثاقت یحیی بن ابی عمران (در برخی نسخه‌ها یحیی بن عمران) را اثبات کرد؟ چون ایشان در کتب رجال هیچ‌گونه توثیقی ندارد. از روایتی استفاده می‌شود که از وکلای امام جواد علیه السلام بوده است (خویی، بی‌تا، ۲۹/۲۱). همان‌طور که آیت‌الله خویی نیز اذعان کرده است، وکالت ملازم با وثاقت نیست. البته ایشان از افرادی است که در اسناد کتاب تفسیر قمی واقع شده است. (همان) اگر کسی تمام آحاد اسناد این کتاب را موثق بداند، می‌تواند حکم به وثاقت یحیی بن عمران کند. بنابراین نه تنها صحت روایت چندان روشن نیست، پرسش و پاسخ نیز کمی مشکوک است و گویا یک اختلاف شخصی بوده است. همچنین صرف‌نظر از صحت یا عدم صحت روایت فوق، آیا می‌توان برای اثبات یک جمله در قرآن کریم، به خبر واحد استناد کرد؟ طبق نقلی که شیخ انصاری از شیخ طوسی می‌کند، اجماع بر عدم حجت خبر واحد در این خصوص است (شیخ انصاری، بی‌تا، ۵۵۷/۱) مخصوصاً اینکه در آینده خواهیم دید که در مقابل، روایات صحیح‌تر و واضح‌تری وجود دارد که بر عدم جزئیت بسم الله نسبت به تمام سوره‌های قرآن دلالت می‌کند.

۲. اجماع

دومین دلیلی که برای جزئیت بسم الله نسبت به تمام سوره‌ها ذکر شده، اجماع است. طبق نظر صاحب مدارک این ادعا در کتاب‌های خلاف شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۱/۱)، مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۹/۱)، نهایة الاحکام (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۴۶۲/۱)، ذکری (شهید اول، ۱۴۱۹: ۲۹۸/۳) و... ادعا شده است.



نقد و بررسی

این اجماع به دلایلی مخدوش است:

اولاً: حجیت اجماع در اینگونه مسائل معلوم نیست؛ زیرا حجیت اجماعی که در اصول مورد بحث و فی الجمله معتبر شمرده می‌شود، اجماعی است که در مسائل فقهیه فرعیه وجود دارد (شیخ انصاری، بی تا، ۵/۴۸۵). امام خمینی نیز در این زمینه می‌نویسد: «اجماع در غیر از مسائل شرعی حجیتی ندارد، چه مسأله عقلی باشد و چه عرفی» (خمینی، بی تا، ۳۲۳). بنابراین نقل اجماع در مسئله جزئیت بسم الله در سوره‌های قرآنی که بحثی اعتقادی و کلامی است، حجیت ندارد.

ثانیاً: اجماع در این مسئله ممکن است به لحاظ روایاتی باشد که قبلاً ذکر شد و معلوم است که اجماعی که محتمل المدرکی باشد از حجیت برخوردار نیست (جزایری، ۱۴۱۵: ۳۸۶/۴).

ثالثاً: اصل انعقاد اجماع به دلایلی مورد تردید است:

اول اینکه: هم در قدما و هم در متاخرین مخالفانی دارد. طبق نقل صاحب جواهر، سید شفتی و دیگران، جناب ابن جنید از قدمای اصحاب قائل است که «بسم الله الرحمن الرحيم» در غیر سوره فاتحه کتاب صرفاً افتتاح سوره است و جزء یا آیه‌ای از آن به شمار نمی‌رود. (نجفی، بی تا، ۲/۱۰۱) و همچنین مرحوم شهید اول در کتاب ذکری در مسئله لزوم قرائت یک سوره کامل در هر رکعت، به عدم جزئیت آن تمایل نشان می‌دهد. ایشان ضمن بیان روایات موافق و مخالف در این زمینه، روایتی نقل می‌کند که خواندن سه آیه در هر رکعت را مجزی می‌داند؛ «و روی عمر ابن یزید فی الصحيح أيضا عنه عليه السلام: أجزاء السورة الواحدة فی الركعتین من الفریضة إذا كانت أكثر من ثلاث آیات» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲/۷۱) سپس این احتمال را مطرح می‌کند که بسم الله جزء سوره‌ها نیست؛ زیرا هیچ سوره‌ای با بسم الله کمتر از ۴ آیه نیست (شهید اول، ۱۴۱۹: ۳/۳۰۲). در بین متاخران نیز ظاهراً جزئیت بسم الله برای آیت الله سید علی خامنه ای و آیت الله سید علی سیستانی ثابت نیست؛ زیرا آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتائاتی که در پایگاه اینترنتی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار ایشان منتشر شده،

نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحيم» در سوره حمد جزء سوره است ولی در سوره‌های دیگر قرآن جزء سوره نیست، پس اگر «بسم الله الرحمن الرحيم» را به قصد سوره‌ای خواند و تغییر قصد داد و سوره دیگر خواند، تکرار «بسم الله الرحمن الرحيم» لازم نیست (<http://farsi.khamenei.ir>) و آیت الله سید علی سیستانی نیز با توجه به اینکه در نماز آیات اکتفا به بسم الله به عنوان یک آیه را خلاف احتیاط می‌داند (سیستانی، ۱۴۱۷: ۲۴۲)، ظاهراً در جزئیت بسمله در تمام سوره‌های قرآن کریم تردید دارد.

دوم اینکه: برخی از اجماعات ادعا شده مربوط به این مسئله نیست. مثلاً در عبارت شیخ طوسی در خلاف هر چند کلمه اجماع ذکر می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۰/۱)، اما به این دلیل که بعید است جناب شیخ از نظر ابن جنید آگاهی نداشته باشد، احتمالاً ناظر به مسائلی همچون اصل جزئیت بسم الله در قرآن کریم (سوره حمد و نمل) و نیز مسائلی همچون لزوم جهر خواندن آن در نمازهای اخفاتی است. همچنانکه قبلاً نیز گذشت، محقق حلی علی رغم ادعای جزئیت بسم الله در سوره حمد و در تمام سوره‌ها، در مقام استدلال تنها برای بخش اول یعنی جزئیت نسبت به فاتحه کتاب ادعای اجماع را مطرح می‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۱۶۷/۲). همچنین اجماعی که ادعا شده در نهاییه الاحکام وجود دارد، یافت نشد. نشانه دیگر برای موهون بودن اجماع هم این است که صاحب مدارک نیز از تعبیر اجماع عدول کرده و می‌گوید: عامه متأخرین این نظر را دارند. (عاملی، ۱۴۱۹: ۳۴۰/۳) مطمئناً اگر اجماعی در کار بود، ایشان که خود قائل به جزئیت بسم الله است، از تعبیر «اجماع» به تعبیر «عامه المتأخرین» عدول نمی‌کرد.

۳. درج بسم الله در ابتدای سوره‌های مصاحف

سومین دلیلی که برای جزئیت ذکر شده است، درج «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای سور در مصاحف شریفه است. صاحب مدارک پس از اینکه برای انکار دلالت روایات در عدم وجوب قرائت بسم الله در ابتدای سوره‌های پس از حمد، مجالی نمی‌بیند، علت آن را اساساً عدم وجوب قرائت سوره کامل معرفی می‌کند و در مقام رد ابن جنید که قائل به عدم



جزئیت بسم الله است، می‌گوید: «به هر حال هیچ شکی در ضعف گفتار ابن ابی جنید نیست، چون همین‌که این جمله در مصحف‌ها نوشته شده کافی است؛ زیرا مسلمانان به اینکه چیزی به قرآن اضافه نشود، اهمیت زیادی داده‌اند» (همان، ۳۴۱) همچنین همان‌گونه که گذشت، مهم‌ترین دلیلی که آیت الله سبحانی نیز در کتاب الانصاف بر جزئیت بسم الله در تمام سوره‌ها اقامه می‌کند، همین موضوع است؛ زیرا دلیل دیگر ایشان چند روایت از منابع اهل سنت است که صرف نظر از قصور دلالتی واضح است، از نظر سندی نیز مشکل دارد و نیازی به پرداختن به آنها نیست. (سبحانی، ۲۳۱/۱)

نقد و بررسی

این استدلال به دلایلی صحیح نیست. اول اینکه جمع‌آوری مصحف به این شکل کار اهل سنت بوده؛ درحالی که اکثر ایشان قائل جزئیت بسم الله نبوده‌اند. در آینده نیز خواهد آمد که ظاهراً این کار (درست یا غلط) از اجتهادات شخصی خلیفه دوم بوده است. دوم اینکه درج «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز سوره‌ها صرفاً به دلیل مشخص شدن اتمام و آغاز سوره‌ها است. البته این کار به تاسی از روایاتی است که برای شخص پیامبر ﷺ و نیز ذکر بسم الله نشانه اتمام و آغاز سوره معرفی شده است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «مَا أُنْزِلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ كِتَابًا إِلَّا وَفَاتِحَتُهُ «بسم الله الرحمن الرحيم» وَإِنَّمَا كَانَ يَعْرِفُ انْقِصَاءَ السُّورَةِ بِنُزُولِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ابْتِدَاءً لِلْآخِرَةِ» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶۵/۴؛ سنن ابی داود، بی تا، ۲۰۹/۱). خدای سبحان هیچ کتابی از آسمان نازل نکرد مگر اینکه در ابتدای آن «بسم الله الرحمن الرحيم» بوده است. [در زمان نزول قرآن نیز] اتمام سوره‌های قبلی نیز به نزول بسم الله در ابتدای سوره دیگر معلوم می‌گردید. این سؤال باقی می‌ماند که اگر بسم الله جهت مشخص شدن ابتدا و انتهای سوره‌هاست؛ پس چرا در آغاز سوره توبه (برائت) بسم الله درج نشده است؟ جواب این است که ظاهراً سوره توبه اصلاً سوره مستقلی نیست، بلکه ادامه سوره انفال است و لذا نیازی به مشخص شدن ابتدای آن به وسیله بسم الله نداشته است. این معنا در روایتی از قول امام صادق (ع) در تفسیر نورالثقلین آمده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱۷۶/۲). بنابراین بسم الله نداشتن سوره توبه می‌تواند خود

نشانه‌ای بر این باشد که درج بسم الله تنها به دلیل شناسایی ابتدای سوره بوده نه اینکه جزء سوره محسوب شود؛ لذا وقتی ابن عباس از خلیفه سوم سؤال می‌کند که چرا در مصحف، در ابتدای سوره توبه بسم الله درج نشده است؟ چنین جواب می‌دهد: شیوه رسول خدا ﷺ چنان بود که چون آیات قرآن بر او نازل می‌شد یکی از نویسندگان (و کتاب) وحی را می‌خواند و بدو می‌فرمود: این آیات را در فلان سوره بگذار... و سوره انفال از نخستین سوره‌هایی بود که در مدینه نازل شد و سوره براءة از آخرین سوره‌هایی بود که در آن شهر نازل گشت و چون داستان این دو سوره شبیه به هم بود ما گمان کردیم که سوره براءة دنباله سوره انفال است و خود آن حضرت نیز تا روزی که از دنیا رفت در این باره چیزی نفرمود، از اینرو ما این سوره را در ضمن «سبع طول» قرار دادیم و میان آن دو «بسم الله» نوشتیم؛ و این دو سوره را «قرینتین» (قرین یکدیگر) می‌خواندند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۵).

ملاحظه می‌شود که خلیفه، درج بسم الله را به خود نسبت می‌دهد؛ یعنی وقتی به اجتهاد خویش تشخیص می‌دهد که این دو یک سوره است، نتیجه می‌گیرد که نیازی به درج بسم الله در آغاز سوره توبه نیست. این نشان می‌دهد که بسم الله صرفاً برای تمییز سوره‌ها از یکدیگر بوده نه اینکه جزء قرآن باشد؛ چون اگر جزء قرآن بود هیچ اجتهاد یا نظری نمی‌توانست آن را از قرآن کریم حذف کند.

سوم اینکه در آغاز سوره‌های قریش و انشراح نیز بسم الله درج شده است در حالی که طبق اجماع شیعه (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۵۵/۶) و احادیث متعدد (همان)، این دو سوره ادامه سوره‌های قبل هستند و طبعاً جز در سوره نمل، در اثنای هیچ سوره دیگری «بسم الله الرحمن الرحیم» نیامده است. صاحب مجمع البیان هم به این نکته تصریح کرده است: «اصحاب ما روایت کرده‌اند که سوره‌های ضحی و الم شرح یک سوره هستند چون به یکدیگر مربوطند و بین آن دو بسم الله... قرار نداده‌اند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۹/۱).

مرحوم سید شفتی پس از آنکه می‌گوید: تعدد بسم الله در این سوره‌ها لازم نیست، بلکه مشکل ساز است، در توجیه اینکه «پس چرا بسم الله در ابتدای انشراح و قریش نیز درج شده



است؟» می‌نویسد: ظاهراً علت این کار به سبب تبعیت از اهل سنت است که این سوره‌ها را مستقل از یکدیگر دانسته و به رسم مألوف که ابتدای هر سوره (غیر از سوره توبه) بسم الله درج می‌کنند، ابتدای این سوره‌ها هم بسم الله درج کرده‌اند با اینکه آن‌ها بسم الله را جزء سوره نمی‌دانند (شفتی، ۱۴۰۹: ۱۰۲/۲). بنابراین فرمایش مرحوم شفتی که درج بسم الله در آغاز این دو سوره به تبع اهل سنت بوده است، مدعای ما را ثابت می‌کند که درج بسم الله در بقیه سوره‌ها نیز اجتهاد شخصی خلیفه سوم بوده است.

چهارم اینکه درج بسم الله می‌تواند از باب تبرک باشد و از باب عمل به احادیثی باشد که سفارش می‌کند هر کار مهمی را با بسم الله یا استعاذه آغاز کنیم. احادیثی نیز وجود دارد که گفتن بسم الله را مجزی از استعاذه می‌داند؛ مثلاً امام باقر علیه السلام فرمود: «وَإِذَا قَرَأْتَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا تُبَالِي أَنْ لَا تَسْتَعِذَ» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۱۳۵/۶) هرگاه بسم الله گفتی اشکال ندارد اعوذ بالله... نگویی.

با توجه به اینکه استعاذه واجب نیست، می‌توان برداشت کرد که بسم الله نیز واجب نیست؛ چون اولاً بسم الله را در ردیف استعاذه آورده است و ثانیاً اگر بسم الله واجب بود، منوط کردن عدم لزوم استعاذه به قرائت بسم الله معنا نداشت؛ چون وقتی بسم الله همیشه ذکر می‌شود، پس همیشه استعاذه لازم نیست؛ بنابراین همان‌طور که استعاذه واجب و جزء سوره نیست، بسم الله هم همان حکم را دارد. حتی مشاهده می‌شود امام هادی علیه السلام در پاسخ به نامه متوکل مبنی بر مجازات غیرمسلمانی که به زن مسلمانی تجاوز کرده و بعد مسلمان شده بود، آیه‌ای از قرآن نوشته و در ابتدای آن عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» را نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّثَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَك يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ» (همان، ۱۴۱/۲۸). آیا از درج بسم الله در ابتدای این آیه می‌توان نتیجه گرفت که بسم الله هم جزئی از این آیه است؟ هرگز!

ب. ادله عدم جزئیت بسم الله

همان‌گونه که قبلاً گذشت، در وسائل الشیعه و در بابی که مرحوم شیخ حر عاملی جهت جزئیت بسم الله در تمام سوره‌ها بنا کرده است، روایاتی وجود دارد که نه تنها به جزئیت دلالت ندارد، بلکه بر عدم جزئیت دارد. عمده این روایت‌ها در ابواب قرائت نماز جلد ششم وسائل الشیعه آمده و عبارت است از احادیث ۲، ۳ و ۴ از باب ۱۲ و حدیث ۱ از باب ۵۸ و همان‌گونه که خواهد آمد، سند همه آنها صحیح است. همچنین روایت دیگری در باب اول از ابواب افعال الصلوة که بررسی خواهد شد. اولین روایت، صحیح حلی از امام صادق علیه السلام است: «عنه (علی بن ابراهیم) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُمَا سَأَلَاهُ عَمَّنْ يَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حِينَ يَرِيدُ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ؟ قَالَ: نَعَمْ؛ إِنْ شَاءَ سِرّاً وَ إِنْ شَاءَ جَهْراً. فَقَالَا: أَلَيْسَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؟ فَقَالَ: لَا؛» از حضرت در مورد [لزوم] «بسم الله الرحمن الرحيم» نسبت به سوره حمد سؤال کردم، فرمودند، آری... و نسبت به سوره های دیگر فرمودند: خیر.

این روایت را مرحوم کلینی از دو طریق نقل می‌کند که بررسی طریق اول که کاملاً صحیح است ما را از بررسی بیشتر بی‌نیاز می‌کند. در طریق اول وی روایت را از علی بن ابراهیم نقل می‌کند که در وثاقت وی شکی نیست (سبحانی، ۱۴۳۷: ۳۱۰). او نیز روایت را از احمد بن محمد خالد برقی نقل می‌کند که او نیز مورد وثوق رجالیون است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۷۶) و وی نیز از محمد بن ابی عمیر نقل می‌کند که او نیز از اصحاب اجماع است و در جلالت قدر و وثاقت او شکی نیست (سبحانی، ۱۴۳۷: ۲۰۶). او نیز از حماد بن عثمان که وی نیز از اصحاب اجماع (همان) است، نقل می‌کند. حماد نیز روایت را از عبیدالله بن علی الحلبي نقل می‌کند که او نیز ثقة و مورد اعتماد است (نجاشی، بی‌تا، ۲۳۱). پس روایت از نظر سند صحیح است. اما از نظر دلالت نیز ملاحظه می‌شود که در این



روایت امام علیه السلام با صراحت لزوم قرائت «بسم الله الرحمن الرحيم» همراه با سوره‌های نماز نفی می‌کنند، در حالی که می‌دانیم از نظر شیعه، قرائت یک سوره کامل در نماز، واجب است. (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۹: ۶/۴۴ و شهید اول، ۱۴۱۹: ۳/۳۰۲). علامه حلی این روایت را حمل بر نافله کرده اما هیچ‌گونه شاهد یا دلیلی اقامه نکرده است. (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۵۳/۱)

روایت دیگر صحیح محمد بن مسلم است: «وَعَنْهُ (علی بن ابراهیم) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَفْتَتِحُ الْقِرَاءَةَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ يَقْرَأُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟ قَالَ: نَعَمْ إِذَا اسْتَفْتَحَ الصَّلَاةَ فَلْيَقُلْهَا فِي أَوَّلِ مَا يَفْتَتِحُ ثُمَّ يَكْفِيهِ مَا بَعْدَ ذَلِكَ» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۶: ۶۱)؛ هرگاه «بسم الله الرحمن الرحيم» را در ابتدای نماز (یعنی سوره حمد) خواندی، برای بعد از آن کفایت می‌کند.

دلالت این روایت که به طریق دیگری نیز نقل شده، بی‌نیاز از توضیح است. سند آن نیز صحیح است؛ زیرا روایت را مرحوم شیخ حر عاملی از کافی نقل می‌کند و مرحوم کلینی نیز آن را از علی بن ابراهیم و او نیز از احمد بن محمد که در وثاقت آنها در سطور پیشین بیان شد. حسین بن سعید نیز کاملاً موثق است (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۵) فضالۀ بن ایوب و ابان بن عثمان و محمد بن مسلم نیز موثق و بلکه از اصحاب اجماع هستند (سبحانی، ۱۴۳۷: ۱۶۷).

روایت سوم درباره سیره عملی امام صادق علیه السلام در اقامۀ نماز است. مسمع بصری می‌گوید: زمانی همراه امام صادق علیه السلام نماز گزاردیم و ایشان تنها برای حمد «بسم الله الرحمن الرحيم» قرائت کرد و سوره را بدون بسم الله خواند: «وَعَنْهُ (علی بن ابراهیم) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مَسْمَعِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ قَرَأَ السُّورَةَ الَّتِي بَعْدَ الْحَمْدِ وَلَمْ يَقْرَأْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ثُمَّ قَامَ فِي الثَّانِيَةِ فَقَرَأَ الْحَمْدَ وَلَمْ يَقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ قَرَأَ سُورَةَ أُخْرَى» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۶/۶۱)؛ مسمع بصری می‌گوید: همراه امام صادق علیه السلام نماز

خواندیم. ایشان سوره حمد را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کرد اما هنگام قرائت سوره، «بسم الله الرحمن الرحيم» را ذکر نکرد. در رکعت دوم هم حمد را قرائت کرد و بسم الله را نگفت و بعد سوره دیگری خواند.

روایت از نظر سند صحیح است. علی بن ابراهیم که قبلاً بررسی شد، محمد بن حسین نیز که همان محمد بن حسین ابی الخطاب است (خویی، بی تا، ۳۰۷/۱۶) و او نیز ثقة است. (همان، ۳۰۸) صفوان نیز قبلاً بیان شد که از اصحاب اجماع است. وثاقت ابن بکیر نیز ظاهر است و از اصحاب اجماع شمرده شده است. (سبحانی، ۱۴۳۷: ۱۶۷) و مسمع البصری نیز که همان مسمع بن عبدالملک البصری است که توسط مرحوم کشی توثیق شده (خویی، بی تا، ۱۷۵/۱۹) و اگرچه اشکالاتی در خصوص توثیق او مطرح شده اما آیت الله خویی اشکالات را پاسخ گفته و وثاقت وی را تایید کرده است. (خویی، بی تا، ۱۷۶/۱۹)

از نظر دلالت نیز روایت ظهور در عدم جزئیت بسم الله نسبت به غیر سوره حمد دارد؛ چون مسمع می گوید: امام علیه السلام هنگام قرائت سوره بسم الله نگفت. تنها چیزی که هست اینکه ظاهر عبارت آن است که مسمع می گوید: در رکعت دوم امام علیه السلام برای سوره حمد نیز «بسم الله الرحمن الرحيم» قرائت نکرده؛ اما به نظر می رسد «لَمْ يَقْرَأْ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دوم هم مربوط به سوره است نه حمد. یعنی راوی می گوید: در رکعت دوم نیز امام حمد را خواند اما برای سوره بسم الله نگفت. محامل دیگری همچون نشنیدن مسمع، حمل بر تقیه و... نیز می تواند آن را توجیه کند.

روایت چهارم را شیخ صدوق در علل الشرایع و به طرق مختلف نقل کرده و صحیح است که آحاد رواه آن در سطور پیشین بررسی شده است. در این روایت که عمر بن اذینه نقل می کند، گزارشی از کیفیت نماز پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در هنگام معراج ایشان نقل شده است. در بخشی از آن چنین آمده: «...فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ التَّكْبِيرِ وَالْإِفْتِاحِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْآنَ وَصَلْتَ إِلَيَّ فَسَمَّ بِاسْمِي فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ... فَقَالَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمَّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ



الرَّحِيمِ بَعْدَ الْحَمْدِ فِي اسْتِقْبَالِ السُّورَةِ الْآخَرَى فَقَالَ لَهُ اقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَمَا أَنْزَلَتْ» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۵/۶۶۶)؛ ... به همین دلیل بسم الله ... در ابتدای سوره حمد قرار داده شد سپس گفته شد حمد مرا به جای آور... [در پایان سوره حمد از ساحت ربوبی خطاب می‌رسد:] چون یاد من را قطع کردی دوباره بسم الله بگو و به همین جهت در استقبال از سوره جدید، بسم الله گفتن لازم شد، سپس خدا فرمود: سوره قل هو الله احد را بخوان...

در عبارت فوق از دو جهت می‌توان بر عدم جزئیت بسم الله استفاده کرد:

الف) امام صادق علیه السلام فرمود: ... به همین جهت بسم الله در استقبال از سوره جدید گفته می‌شود نه در ابتدای سوره. لازم به ذکر است که نسبت به سوره حمد حضرت فرمود: به این دلیل بسم الله در آغاز سوره حمد قرار داده شد.

ب) پس از اینکه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، در حین نماز معراجی خود، و به دستور خدای سبحان، مجدداً بسم الله می‌گوید، سپس مورد خطاب واقع می‌شود که اکنون سوره قل هو الله را بخوان. اگر بسم الله جزو قل هو الله بود، بعد از بسم الله گفتن، گفته نمی‌شد که اکنون قل هو الله را بخوان، بلکه مانند سوره حمد، سایر اجزای سوره آموزش داده می‌شد.

روایت پنجم: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبَادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُضَافٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَخْنَفَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ فِي حَدِيثٍ وَإِذَا قَرَأْتَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا تُبَالِي أَنْ لَا تَسْتَعِيدَ» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۶/۱۳۵). در این روایت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اگر بسم الله گفتی، اشکال ندارد که اعوذ بالله... نگوئی.

با توجه به اینکه سخن امام علیه السلام یک جمله شرطیه است، مفهوم آن چنین می‌شود: اگر بسم الله نگفتی اعوذ بالله... بگو. از مفهوم کلام امام باقر علیه السلام دو نکته استفاده می‌شود:

۱. جواز ترک بسم الله و ابتدا به استعاذه؛ ۲. هم حکم بودن بسم الله با استعاذه؛ یعنی همان‌طور که مسلماً استعاذه وجوب ندارد و آغاز سوره با آن صرفاً مستحب است، عدل آن یعنی بسم الله نیز همین حکم را دارد.

هر دو نکته بر استحباب شروع سوره‌های قرآن با عبارت شریفه «بسمله» دلالت می‌کند نه بیش از آن.

بررسی اشکالات روایات دال بر عدم جزئیت

در مورد روایاتی که دلالت بر عدم جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» نسبت به سوره‌ها دارد، توجیهاتی ذکر شده و سعی شده با تضعیف این روایات، راه برای یکی دو روایتی که فی‌الجمله می‌تواند بر جزئیت مورد استناد قرار گیرد، هموار شود. درحالی که این توجیهات کامل نیست. مهم‌ترین توجیهات و پاسخ‌های آن عبارت‌اند از:

یک) چون قرائت یک سوره کامل در نماز لازم نیست، در روایات اجازه داده شده که عبارت بسمله در ابتدای سوره‌ای که در نماز خوانده می‌شود، قرائت نشود (عاملی، ۱۴۱۹: ۳/۳۴۱).

پاسخ: اولاً، امامیه اجماع دارند که خواندن سوره کامل در نمازهای واجب لازم است و اگر روایتی مخالف این مطلب یافت می‌شود، مربوط به نوافل است؛ کما این که در روایاتی به این موضوع تصریح شده است (شیخ حرعاملی، بی‌تا، ۴/۴۴). ثانیاً، سؤالی که در روایت‌های مربوط به قرائت بسم الله پرسیده شده در مورد جزئیت این عبارت است نه لزوم خواندن سوره کامل یا عدم آن.

دو) روایت‌های عدم جزئیت حمل بر تقیه می‌شود (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱/۳۳۶).

پاسخ: حمل بر تقیه به چند دلیل ممکن نیست. اولاً این مسئله بین خود اهل سنت هم اختلافی بوده و برخی از آنان قائل به جزئیت بوده‌اند. ثانیاً حمل بر تقیه زمانی است که روایات محکم و قطعی بر مطلبی دلالت کند و در مقابل آن روایتی باشد که با آن روایات مسلم در تعارض باشد (سبحانی، ۱۴۳۶: ج ۴/۴۸۹)؛ اما ملاحظه شد که روایات جزئیت از نظر تعداد، سند و دلالت از استحکام چندانی برخوردار نیست تا با روایات دال بر عدم جزئیت تعارض کند و در نتیجه این روایات را حمل بر تقیه نماییم.



سه) روایت‌های عدم لزوم قرائت بسمله در نماز مربوط است به نمازهای نافله که مسلماً خواندن سوره کامل در آن لازم نیست (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۵۳/۵).

پاسخ: روایت چهارم از باب ۱۱ که گذشت مربوط به گزارش نماز جماعتی بود که اصحاب به امامت حضرت صادق علیه السلام اقامه کرده بودند و معلوم است که قابل حمل بر نماز نافله نیست.

مرحوم سید احمد خوانساری در کتاب جامع المدارک برای رد و عدم روایات دال بر عدم جزئیت به قاعده اعراض تمسک کرده است (خوانساری، ۱۴۰۵: ۳۳۶/۱). طبق این قاعده هرگاه روایتی مورد اعراض اصحاب قرار گیرد، از حجیت ساقط می‌شود، هرچند از سند صحیحی برخوردار باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۲۱/۵). با توجه به اینکه مشهور اصحاب به روایات دال بر عدم جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» اعتنایی نکرده، از حجیت ساقط و غیرقابل استناد می‌شوند.

پاسخ: این بهترین توجیه برای عدم توجه به روایات دال بر عدم جزئیت بسمله نسبت به سوره‌ها می‌تواند باشد؛ اما همان‌طور که آیت‌الله خویی نیز قائل است، (خویی، ۱۴۰۹: ۷/۱) اعراض اصحاب نمی‌تواند موجب ضعف حدیثی که حجیت آن ثابت شده است، باشد. صرف‌نظر از دلیلی که ایشان اقامه کرده (مناط بودن وثاقت راوی در پذیرش اخبار همان) خود روایات دلالت می‌کند بر اینکه چه‌بسا حدیثی مورد فهم علمای سلف قرار نگیرد و طبعاً بدان فتوا ندهد، اما آن عالم وظیفه دارد که روایت را برای نسل‌های آینده نقل کند تا مورد استفاده آن‌ها قرار گیرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَطَبَ النَّاسَ فِي مَسْجِدِ الْحَيْفِ فَقَالَ نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاَهَا وَحَفِظَهَا وَبَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَرُبَّ حَامِلٍ فِيهِ غَيْرُ فِقْهِهِ وَرُبَّ حَامِلٍ فِيهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۸۹/۲۷)؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خیف خطبه‌ای خواند و فرمود: خدا خرم گرداند کسی را که گفتار من را بشنود و آن را حفظ و به دیگران ابلاغ کند؛ زیرا چه‌بسا کسی مطلب عمیقی (فقه) را حمل کند در حالی که آن را فهم نکند اما برساند به دست کسی که از او عالم‌تر باشد.

این حدیث به خوبی می‌رساند که نفهمیدن روایت دلیلی بر عدم صحت آن روایت نیست؛ لذا مشاهده می‌شود روش گذشتگان هم این بوده حتی روایت‌هایی را که فتوا نمی‌داده‌اند، به دلیل عدم استبداد به نظر خویش آن را نقل و به دست آیندگان سپرده‌اند. این یعنی اعراض آن‌ها برای آیندگان هیچ گونه الزامی ایجاد نمی‌کند. اگر از اعراضی طعن به راویان آن استفاده شود، بحث دیگری است.

در جمع بندی این روایت‌ها باید گفت: همان گونه که گذشت، روایت صحیح و صریحی که بر جزئیت بسم الله در تمام سوره‌های قرآن دلالت کند، وجود ندارد و همانگونه که گذشت آیت الله سبحانی برای اثبات جزئیت بسم الله در تمام سوره‌ها به هیچ روایت شیعی استناد نمی‌کند. در مقابل روایات گذشته به خوبی بر عدم جزئیت دلالت می‌کند.

ناگفته نماند اگر دلالت روایات دسته اول را بر جزئیت تمام بدانیم (و اشکالات یاد شده را نادیده بیانگاریم)، هیچ راه جمعی مانند تخصیص و تقیید بین این دو دسته وجود ندارد جز اینکه روایات جزئیت را حمل بر استحباب قرائت آن در هنگام خواندن سوره‌ها نموده، سفارش به قرائت آن صرفاً از باب تبرک و افتتاح است. دلیل این جمع این است که روایتی که بر عدم لزوم قرائت بسم الله در نماز دلالت می‌کند، صراحت در این معنا دارد؛ زیرا وقتی تکلیفی نفی می‌شود، هیچ احتمال دیگری جز همان نفی وجود ندارد. اما روایتی که دلالت بر لزوم قرائت می‌کند، تنها ظهور در لزوم دارد؛ چون احتمال‌هایی همچون استحباب، تبرک، افتتاح و... در آن وجود دارد. نتیجه حمل ظاهر بر نص این می‌شود که باید در روایت ظاهر تصرف نمود و دست از ظهور آن برداشت و حمل بر استحباب نمود. این حمل هرچند نسبت به روایت شماره ۶ مشکل است، اما نسبت به روایت ۵ کاملاً امکان‌پذیر است. اما به هر حال اگر کسی این حمل را نپذیرد، باید قائل به تساقط دو دسته روایت شد. نتیجه این می‌شود که در این هنگام به اصل مراجعه کنیم. اصل متناسب با این



موضوع عبارت است از اصالة العدم (عدم جزئیت بسم الله در سوره) و یا اصل عدم تکرار (زیرا تکرار یک عبارت نیازمند دلیل قاطع است).

ج. آثار و نتایج فقهی جزئیت بسم الله در سوره‌های قرآن

بررسی جزئیت و عدم جزئیت بسم الله در سوره‌ها یک بحث تفسیری و معرفتی صرف نیست بلکه در مقام عمل آثار فقهی متعددی دارد که به برخی از آن اشاره می‌شود:

۱. لزوم خواندن بسم الله در اول هر سوره بارزترین نتیجه این بحث است؛ یعنی اگر ثابت گردد این عبارت جزء هر سوره نیست، خواندن آن در ابتدای هر سوره لازم نیست. این مطلب در خصوص خواندن آن در نماز مهم‌تر است.

۲. طبق روایات اگر کسی در نماز شروع به قرائت سوره‌های توحید و کافرون (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۹۹/۶؛ امام خمینی، بی‌تا، ۱/۱۶۶). نمود، نمی‌تواند این سوره‌ها را رها کند و سوره دیگری را برای قرائت انتخاب کند. حال اگر بسم الله جزء این سوره‌ها باشد، این حکم با شروع بسم الله ثابت می‌گردد و گرنه باید داخل در قرائت خود سوره شد تا حکم عدم جواز رها کردن سوره ثابت گردد. در این صورت اگر شک کند به نیت سوره کافرون بسم الله را گفته یا به نیت سوره توحید، احتیاط غیر ممکن به نظر می‌رسد. مگر اینکه قائل به عدم جزئیت بسم الله در سوره‌ها شد که در این صورت فرصت انتخاب سوره کماکان باقی است؛ زیرا هنوز وارد سوره نشده باشد که محذور فوق الذکر شامل آن گردد.

۳. یکی از روش‌های خواندن نماز آیات تقسیم یک سوره به ۵ قسمت است (امام خمینی، بی‌تا، ۱/۱۹۳). اگر «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره باشد می‌توان آن را به عنوان یکی از آیات قرائت‌شده در یک تکبیر قلمداد کرد و گرنه نمی‌توان بدان اکتفا کرد.

۴. قرائت بیش از ۷ آیه از قرآن کریم برای فرد جنب و حائض کراهت دارد (امام خمینی، بی‌تا، ۱۴۲۶، ۸۲). حال اگر کسی مثلاً سوره ماعون را بخواند، اگر «بسم

الله الرحمن الرحيم» یک آیه محسوب شود، سوره دارای هشت آیه خواهد بود و فرد مرتکب عمل مکروه شده است، وگرنه، نه.

۵. طبق نظر برخی از کسانی که قائل به جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» در تمامی سوره‌ها هستند، بسم الله هر سوره مختص همان سوره است؛ لذا اگر کسی قصد خواندن سوره‌ای داشت، اگر پس از قرائت بسم الله نیت خود را تغییر داد و تصمیم به قرائت سوره دیگری گرفت، لازم است تا «بسم الله الرحمن الرحيم» را تجدید کند (امام خمینی، بی‌تا، ۳۰۱/۱؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۱۹).

نتیجه‌گیری

آنچه از مجموع مطالب استفاده می‌شود اینکه، در جزئیت بسم الله الرحمن نسبت به سوره حمد و البته نمل، در بین شیعه شکی نیست و روایات در این خصوص صریح و زیاد است. اما جزئیت عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» نسبت به تمام سوره‌ها در بین امامیه اگرچه از شهرت به‌سزایی برخوردار است، اما دلیل چندان محکمی جز درج آن در ابتدای سور در مصاحف شریف ندارد. اکثر روایاتی که در این خصوص در کتب روایی، تفسیری و فقهی بیان شده است، یا مربوط به فضیلت این سوره است، یا جزئیت آن نسبت به سوره شریفه فاتحه‌الکتاب. یکی دو روایت وجود دارد که شاید فی‌الجمله لزوم قرائت بسمله در سوره‌های نماز را دلالت می‌کند؛ اما همان‌طور که ملاحظه شد اشکالات متعدد سندی و دلالی و همچنین تعارض با روایات محکم‌تری که بر عدم جزئیت دلالت می‌کند، اجازه‌ی تعبد به آن روایات را سلب می‌کند؛ مخصوصاً اینکه تعبد به اینگونه مسائل با خبر واحد صحیح نیست. اما اینکه در مصحف شریف، عبارت بسم الله در ابتدای همه سوره‌ها (به جز توبه) کتابت شده است نیز معلوم گردید که به تبعیت از رسم جاری مصحف‌ها بوده که خود ناشی از دلایلی همچون تبرک، تشخیص سوره جدید و... بوده است و همان‌طور که درج بسم الله در ابتدای سوره‌های قریش و انشراح دلالتی بر جزئیت ندارد، در سایر سوره‌ها نیز چنین است؛ بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به روایاتی که از باب ۱۱ از ابواب



قرائت وسائل الشیعه گذشت و همچنین قرائن متعددی که در این خصوص ذکر شد، «بسم الله الرحمن الرحيم» تنها جزء سوره حمد و نمل است و سفارش به ذکر در ابتدای دیگر سوره‌ها به دلیل سفارش به شروع هر کاری با این عبارت مقدس است و در خصوص سوره‌ها همانند ذکر استعاذه صرفاً استحباب قرائت دارد و لزومی ندارد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، صراط النجاة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۳. انصاری، مرتضی، فرائد الأصول؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹.
۴. بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، قم: الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۵. جزایری، محمد جعفر، منتهی الدراية فی شرح الکفایة، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۴۱۵.
۶. حر عاملی، محمد حسن، تفصیل وسائل الشیعة، قم: آل البيت ع، ۱۴۱۹ ق.
۷. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق.
۸. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دارالزهراء س، بی تا.
۹. _____، مصباح الاصول، بی جا: نشر الفقاهة، ۱۴۲۲.
۱۰. _____، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، قم: دفتر آیت الله خویی، ۱۴۰۹.
۱۱. سبحانی، جعفر، الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، قم: موسسه امام جعفر صادق ع؟، ۱۴۲۳ ق.
۱۲. _____، المبسوط فی اصول الفقه، قم: موسسه امام صادق ع؟، چاپ دوم، ۱۴۳۶.



۱۳. _____، کلیات فی علم الرجال، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۴۳۷.
۱۴. سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین، قم: دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۱۷ق.
۱۵. شفتی، سید محمد باقر، تحفه الأبرار الملتقط من آثار الأئمة الأطهار، اصفهان: انتشارات کتابخانه مسجد سید، ۱۴۰۹ق.
۱۶. شهید اول، محمد بن مکی، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، بیروت: آل البيت ع، ۱۴۱۹ق.
۱۷. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۰. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.
۲۱. _____، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۲۲. _____، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۲۳. _____، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۴. _____، رجال الطوسی، قم: چاپ جواد قیومی اصفهانی، ۱۴۱۵ق.

۲۵. طیب حسینی، دائره المعارف قرآن کریم، با همکاری غلامرضا قدمی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۲۶. عاملی محمد بن علی الموسوی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: آل البيت علیه، ۱۴۱۱ق.
۲۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: امام صادق؟ع؟، ۱۴۲۶ق.
۲۹. _____، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۳۰. _____، نهایة الإحکام فی معرفه الاحکام، قم: آل البيت علیه، ۱۴۱۹ق.
۳۱. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۵۲ق.
۳۲. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، شرح فروع الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۴. محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه، ۱۴۰۷ق.



۳۵. _____، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان،

۱۴۰۸.

۳۶. الموسوی الخمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم: دارالعلم.

۳۷. _____، توضیح المسائل، قلی پور، ۱۴۲۶.

۳۸. _____، معتمد الأصول؛ قم: موسسه نشر آثار امام خمینی، بی تا.

۳۹. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام،
بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم،

۴۰. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه
آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.

۴۱. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم: انتشارات مکتبه الفقیه، بی تا.

References

۱. The Holy Quran ,Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵..
۲. Allamah Hilli, Hassan bin Yusuf bin Motahhar Asadi, *Muntahi al-Matalib in the research of al-Mahhab*, Mashhad: Islamic Research Association, ۱۴۱۲ A.H.
۳. Allamah Hilli, Hassan bin Yusuf bin Motahhar Asadi, *Nihayah al-Ahkam fi Marifah al-Ahkam*, Qom: Alul-Bayt, ۱۴۱۹ A.H.
۴. Allamah Hilli, Hassan bin Yusuf bin Motahhar Asadi, *Tahrir al-Ahkam al-Sharia Ala Madhahib al-Imamiyyah*, Qom: Imam Sadiq, ۱۴۲۶ A.H.
۵. Al-Mousavi Al-Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Tahrir al-Wasilah*, Qom: Dar al-Ilm, n.d.
۶. Al-Musawi Al-Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Mu'tamad al-Usul*; Qom: Publishing Institute of Imam Khomeini's Works, n.d.
۷. Al-Musawi Al-Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Tawzih al-Masail*, Qulipur, ۱۴۲۶ A.H.
۸. Amili Mohammad bin Ali al-Musawi, *The Documents of the Rulings in the Description of Worship of the Laws of Islam*, Beirut: Alul-Bayt, ۱۴۱۱ A.H.
۹. Ansari, Mortaza bin Mohammad Amin, *Sirat al-Najat*, Qom: World Congress of Honoring Sheikh Azam Ansari, ۱۴۱۵ A.H.
۱۰. Ansari, Mortaza, *Faraed Usul*; Qom: Majma' al-Fikr al-Islami, ۱۴۱۹ A.H.
۱۱. Arusi Hawizi, Abd Ali bin Juma'h, *Tafsir Noor al-Saqlain*, Qom: Ismailian, ۴th Edition, ۱۴۱۵ A.H.
۱۲. Bejnordi, Seyyed Hasan, *Al-Qawaid al-Fiqhiyyah*, Qom: Al-Hadi, ۱۴۱۹ A.H.



۱۳. Fakhrazi, Mohammad bin Omar, *Al-Tafsir al-Kabir*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Second Edition, ۱۳۵۲ A.H.
۱۴. Hurr Amili, Mohammad Hassan, *Tafsil Wasail al-Shiah*, Qom: Alul-Bay, ۱۴۱۹ A.H.
۱۵. Jazayeri, Mohammad Jafar, *Muntah al-Daraiyah fi Sharh al-Kifayah*, Qom: Dar al-Katab, ۴th Edition, ۱۴۱۵ A.H.
۱۶. Khawansari, Seyyed Ahmad bin Yousuf, *Jame al-Madarak fi Sharh Mukhtasar al-Nafi'*, Qom: Ismailian Institute, ۱۴۰۵ A.H.
۱۷. Khoei, Seyyed Abul Qasim, *Misbah al-Usul*, N.p., Nshar al-Fuqaha, ۱۴۲۲ A.H.
۱۸. Khoei, Seyyed Abulqasim, *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Dar al-Zahra, n.d.
۱۹. Khoei, Seyyed Abulqasim, *Mujam Rijal al-Hadith wa Tafsil Tabaqat al-Rijal*, Qom: Office of Ayatollah Khoei, ۱۴۰۹ A.H.
۲۰. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar*, Beirut: Dar Ihya al-Turath, Second Edition, ۱۴۰۳ A.H.
۲۱. Mazandarani, Mohammad Hadi bin Mohammad Salih, *Sharh Farou al-Kafi*, Qom: Dar al-Hadith, ۱۴۲۹ A.H.
۲۲. Mohaqqiq Hilli, Najmuddin, Jafar bin Hassan, *al-Mu'tabar fi Sharh al-Mukhtasar*, Qom: Seyyed al-Shohada Institute, ۱۴۰۷ A.H.
۲۳. Mohaqqiq Hilli, Najmuddin, Jafar bin Hassan, *Sharia'e al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram*, Qom: Ismailian, ۱۴۰۸ A.H.
۲۴. Najafi, Sahib al-Jawahir, Mohammad Hassan, *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shar'e al-Islam*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۷th Edition, n.d.
۲۵. Noori, Hossein bin Mohammad Taqi, *Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail*, Qom: Alul-Bayt Foundation, ۱۴۰۸ A.H.
۲۶. Shafti, Seyyed Mohammad Baqir, *Tuhfah al-Abrar al-Multaqat Min al-Ayyimah al-Athar*, Isfahan: Seyyed Mosque Library Publications, ۱۴۰۹ A.H.

۲۷. Shaheed Awwal, Mohammad bin Makki, *Zikra al-Shi'a fi Ahkam al-Sharia'*, Beirut: Alul-Bayt, ۱۴۱۹ A.H.
۲۸. Sheikh Sadouq, Mohammad bin Ali ibn Babawayh, *Man la Yahduruhu al-Faqih*, Qom: Islamic Publications Office, Second Edition, ۱۴۱۳ A.H.
۲۹. Sistani, Seyyed Ali Hosseini, *Minhaj al-Salihin*, Qom: Office of Ayatollah Sistani, ۱۴۱۷ A.H.
۳۰. Sobhani, Jafar, *Al-Ansaf fi Masail Dama Fiha al-Khalaf*, Qom: Institute of Imam Jafar Sadiq, ۱۴۲۳ A.H.
۳۱. Sobhani, Jafar, *Al-Mabsut fi Usul al-Fiqh*, Qom: Institute of Imam Sadiq, ۲nd Edition, ۱۴۳۶.
۳۲. Sobhani, Jafar, *Kulliyat fi Ilm al-Rijal*, Qom: Islamic Publication Institute, ۱۳th Edition, ۱۴۳۷.
۳۳. Tabarsi, Fazl bin Hasan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Tehran: Naser Khosro, ۱۹۹۳.
۳۴. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Qom: Islamic Publications Office, Fifth Edition, ۱۹۹۵.
۳۵. Tayyib Hosseini, *Encyclopedia of the Holy Quran*, in Collaboration with Ghulamreza Qadami, Qom: Bustan Kitab, ۲۰۰۹
۳۶. Tusi, Abu Jafar, Mohammad bin Hasan, *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah*, Tehran: Al-Muktabah al-Murtazawiyah for the Revival of Al-Jafari Books, ۳rd Edition, ۱۳۸۷ A.H.
۳۷. Tusi, Abu Jafar, Mohammad bin Hasan, *Rijal al-Tusi*, Qom: Javad Qayyumi Isfahani, ۱۴۱۵ A.H.
۳۸. Tusi, Abu Jafar, Mohammad bin Hassan, *Al-Istbasar fima Ikhtalfa min Al-Akhbar*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۳۹۰ A.H.
۳۹. Tusi, Abu Jafar, Mohammad bin Hassan, *Al-Khilaf*, Qom: Islamic Publications Office, ۱۴۰۷.



۴۰. Tusi, Abu Jafar, Mohammad bin Hassan, *Tahzeeb al-Ahkam*, Tehran: Dar al-Kutu al-Islamiyyah, ۴th Edition, ۱۴۰۷ A.H.

۴۱. Warram bin Abifiras, *Warram's Collection of Works*, Qom: Maktabah al-Faqih Publications, n.d.